

دولت انگلیس با واکنش شدید و فزاینده افکار عمومی نسبت به کشتار ۱۲ماهه اسرائیل در غزه - و همدستی فعال انگلیس در آن- مواجه شده است. اوج این نارضایتی در آخر هفته گذشته دیده شد. زمانی که گروه پانک باب وایلن در فستیوال گلاستونبری جمعیت را به سر دادن شعار «مرگ، مرگ بر ارتش اسرائیل» همراهی کرد - اجرائی که به صورت زنده از بی‌بی‌سی پخش شد، بی‌بی‌سی بعدها بابت عدم قطع پخش آن اظهار تأسف کرد. گروه ایرلندی کنی کپ نیز خشم تماشاگران را متوجه نخست‌وزیر انگلیس، کر استارمر کرد و جمعیت را در سر دادن شعار علیه او رهبری کرد. سایر هنرمندان نیز از اجراهای خود برای ابراز خشم نسبت به همدستی انگلیس در آنچه دیوان بین‌المللی دادگستری در اوایل ۲۰۲۴ «نسل‌کشی محتمل» توصیف کرده، استفاده کردند. اعتراض‌های عمل آن را به طرز چشمگیری افزایش داده و در عین حال سلاح‌های آمریکایی و آلمانی را از طریق پایگاه هوایی آکروتیری در قبرس منتقل می‌کند. همچنین، مأموریت‌های جاسوسی را به نیابت از اسرائیل بر فراز غزه انجام می‌دهد، و در کنار همه این‌ها، همچنین حمایت دیپلماتیک بی‌چون‌وچرا از اسرائیل را ادامه می‌دهد؛ حتی زمانی که این رژیم ده‌ها هزار غیرنظامی را قتل‌عام کرده و به محاصره و گرسنگی دادن به بیش از دو میلیون نفر ادامه می‌دهد. استارمر قدیمی به عقب برنداشته، بلکه موضع خود را سخت‌تر کرده است؛ او هرگونه انتقاد از اسرائیل را معادل با «یهودستیزی»- و به‌طور فزاینده‌ای، معادل با «تروریسم»- معرفی می‌کند.

ارتش‌های وارونه
چنین درک وارونه‌ای از جهان، نیازمند سطح بالایی از خلاقیت و مهارت در انحراف افکار عمومی بوده است؛ تا خشم روزافزون مردم کنترل شود. آنچه اسرائیل، واشنگتن، انگلیس و دیگر هم‌پیمانان برای تداوم نسل‌کشی باید انجام دهند، خلق «مماش» است - مجموعه‌ای از درام‌های انحرافی - برای منحرف کردن توجه از جنایت اصلی.

الفرد هیچکاک، کارگردان مشهور هالیوودی و استاد تعلیق، از مفهومی به نام «مک‌گافین» استفاده می‌کرد - گره‌های روایی که تماشاگر را از مسیر اصلی منحرف می‌کند - و شاید از مهارت به‌کاررفته در این‌جا قدردانی می‌کرد. هدف این بوده که رسانه‌های غربی را به سمت موضوعاتی فرعی سوق دهند تا در نتیجه، افکار عمومی غرب به‌جای تمرکز بر نسل‌کشی یا ذات آپارتاید و خشونت‌آمیز دولت اسرائیل، بر پیچش‌های فرعی داستان تمرکز کند. پیچش‌هایی که، البته، چهره پایتخت‌های غربی را از همدستی در این جنایات میرا جلوه دهد. حتی زمانی که رسانه‌ها درباره غزه گزارش می‌دهند، به‌ندرت به کشتار جمعی فلسطینی‌ها توسط اسرائیل می‌پردازند. در عوض، ده‌ها موضوع فرعی را- همچون گرد و خاک بمباران‌ها- مطرح می‌کنند تا نگاه‌ها را از اصل ماجرا دور کنند.

ماجرای اخیر مربوط به سه گروه باب وایلن، آخرین نمونه است؛ جایی که افکار عمومی انگلیس - به‌طوری مضحک - توسط سیاستمداران و رسانه‌ها تحریک می‌شوند تا نگران امنیت مسافران اسرائیلی در برابر تهدید احتمالی هواداران موسیقی خشمگین باشند. ظاهراً این موضوع باید بیشتر ما را نگران کند تا امنیت مردم فلسطین در غزه که هم‌اکنون توسط همین سربازان اسرائیلی قتل‌عام و گرسنگی داده می‌شوند. رهبران ما هم روز بیشتر طوری صحبت می‌کنند که گویی عضویت در ارتش یک رژیم نسل‌کش باید به عنوان یک «ویژگی محافظت‌شده» - مانند سیاه‌پوست بودن یا همجنس‌گر بودن - در نظر گرفته شود؛ به‌طوری‌که

جاناتان کوک (Jonathan Cook) روزنامه‌نگار، نویسنده و تحلیلگر سیاسی انگلیسی است که به ویژه با نوشته‌های خود در مورد مسائل فلسطین، رژیم آپارتاید اسرائیل و مسائل غرب آسیا شناخته می‌شود. او از معدود روزنامه‌نگاران غربی است که به طور مداوم از منظر حقوق بشر و ضد استعمار به نقد سیاست‌های رژیم اسرائیل و نقش کشورهای غربی، به ویژه آمریکا و انگلیس، در سرکوبی فلسطینیان می‌نویسد. او سابقه فعالیت در رسانه‌های جریان اصلی مانند The Guardian و The Observer را دارد، اما پس از مدتی به دلیل محدودیت‌های رسانه‌های بزرگ و خودسانسوری آنان در قبال اسرائیل، از آن‌ها فاصله گرفت. او از سال ۲۰۰۱ در شهر ناصره در شمال اراضی اشغالی (شهری عمدتاً فلسطینی‌نشین در داخل اسرائیل) زندگی می‌کند. این موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد به او این امکان را داده است که از نزدیک تحولات درون مناطق اشغالی فلسطین را گزارش و تحلیل کند. او باور دارد که رژیم اسرائیل یک پروژه استعمار سکونتی (settler-colonial) است و به همین دلیل، اقدامات رژیم اسرائیل در قبال فلسطینیان را در چارچوب پاکسازی قومی، آپارتاید و نسل‌کشی تحلیل می‌کند. او همچنین معتقد است که حمایت بی‌قید و شرط غرب از اسرائیل ریشه در سابقه استعمار اروپایی و تلاش برای

است: ترساندن دیگران، نابود کردن سرکشان، محصور کردن دولت‌های وابسته خلیج فارس از نفوذ دیگران، و تحریک تهدیدی «چودی» که غرب برای مقابله با آن به حمایت از اسرائیل توجیه می‌شود. این حملات، خود مک‌گافین‌هایی مرگبار بودند. گزارش‌ها درباره غزه، بلافاصله کنار گذاشته شدند تا بر «بمب هسته‌ای خیالی ایران» تمرکز شود - و البته چشم‌پوشی کامل از زرداخته‌اتمی کاملاً واقعی اسرائیل. پایتخت‌های غربی و رسانه‌هایشان، با هیجان درباره «تهدید هسته‌ای» ایران بحث کردند - در حالی که تحلیل‌گران جدی می‌دانند هر گونه حمله هسته‌ای از سوی تهران، حتی اگر بمبی هم در اختیار داشت، به معنای خودکشی خواهد بود. هفته‌ها صرف بحث‌هایی بی‌حاصل درباره این شد که آیا حمله اسرائیل یا آمریکا می‌تواند برنامه هسته‌ای قانونی ایران را از بین ببرد؛ و پس از حمله ترامپ، آیا ادعای او درباره «یابودی کامل» آن برنامه درست بوده است یا نه.

نابودی فشار افکار عمومی

نتیجه همه این‌ها، منحرف شدن توجهات از آنچه اسرائیل واقعاً انجام می‌دهد، بود. قابل توجه است که پیش از این، در غرب - هرچند بسیار دیر - فشاری

خطابه‌ای به دولت انگلیس

در حال شکل‌گیری بود برای توقف نسل‌کشی گرسنگی‌محور غزه، اما با تبدیل شدن «حمله ایران» به تیتز اصلی، یکباره اسرائیل دوباره به‌عنوان قربانی مطرح شد. به‌سرعت، جنبش‌های ضدنسل‌کشی از رمق افتادند، دوباره، همدلی اصلی ما مجبور شد معطوف اسرائیلی شود که زیر آتش موشک قرار گرفته بود - آن‌هم به این دلیل که خود آغازگر جنگ بود - در حالی که همان‌موقع، نظامیان اسرائیلی مردم درمانده فلسطین را در مراکز توزیع کمک هدف گلوله‌های جنگی قرار می‌دادند، صدها تن را در چند هفته کشته و هزاران نفر را مجروح کرده‌اند. در پی حمله اسرائیل به ایران، نشست مشترک فرانسه و عربستان برای پیشبرد شناسایی دولت فلسطینی - بحثی که ۳۰ سال است بی‌نتیجه مانده - به طور نامحدود به تعویق افتاد. بررسی حقوق بشری اتحادیه اروپا که شاید می‌توانست توافق تجارت آزاد با اسرائیل - بزرگ‌ترین شریک تجاری این رژیم - را تهدید کند، با شتاب و بدون هیچ تصمیم تنبیهی پایان یافت. ظاهراً، آن زمان مناسبی برای پاسخ‌گو کردن اسرائیل به خاطر نسل‌کشی‌اش نبود؛ چرا که گویا «قربانی» حمله‌ای موشکی شده بود. اما در واقع، هرگز زمانی برای پاسخ‌گو کردن اسرائیل «مناسب» دانسته نمی‌شود.

روزنامه‌نگاران غربی است که به طور مداوم از منظر حقوق بشر و ضد استعمار به نقد سیاست‌های رژیم اسرائیل و نقش کشورهای غربی، به ویژه آمریکا و انگلیس، در سرکوبی فلسطینیان می‌نویسد. او سابقه فعالیت در رسانه‌های جریان اصلی مانند The Guardian و The Observer را دارد، اما پس از مدتی به دلیل محدودیت‌های رسانه‌های بزرگ و خودسانسوری آنان در قبال اسرائیل، از آن‌ها فاصله گرفت. او از سال ۲۰۰۱ در شهر ناصره در شمال اراضی اشغالی (شهری عمدتاً فلسطینی‌نشین در داخل اسرائیل) زندگی می‌کند. این موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد به او این امکان را داده است که از نزدیک تحولات درون مناطق اشغالی فلسطین را گزارش و تحلیل کند. او باور دارد که رژیم اسرائیل یک پروژه استعمار سکونتی (settler-colonial) است و به همین دلیل، اقدامات رژیم اسرائیل در قبال فلسطینیان را در چارچوب پاکسازی قومی، آپارتاید و نسل‌کشی تحلیل می‌کند. او همچنین معتقد است که حمایت بی‌قید و شرط غرب از اسرائیل ریشه در سابقه استعمار اروپایی و تلاش برای

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

حفظ سلطه در غرب آسیا دارد. وی در نوشته‌هایش بر قربانی بودن مردم فلسطین، خصوصاً در غزه، تأکید دارد و بارها از نقش رسانه‌های جریان اصلی در پوشاندن واقعیت‌های میدان و جا انداختن روایت‌های دست‌کاری‌شده اسرائیلی انتقاد کرده است. او سیاستمداران غربی مانند «کر استارمر»، رهبر حزب کارگر انگلیس، و... را به ریاکاری، همراهی با جنایت، و سوءاستفاده از مفاهیمی مانند «ضدیهودیت» برای خاموش کردن صدای منتقدان اسرائیل متهم می‌کند و از آزار رسانه‌ای و امنیتی فعالان ضدجنگ و جنبش‌های عدالت‌طلب (از جمله مدافعان فلسطین) در غرب انتقاد می‌کند. جاناتان کوک را می‌توان یک منتقد برجسته و بی‌پروای نظام سلطه‌گر جهانی دانست که از طریق تحلیل ساختاری و عمیق، تلاش می‌کند چهره واقعی اقدامات اسرائیل و همیمانانش را افشا کند. او برخلاف بسیاری از روزنامه‌نگاران جریان اصلی، نه از منظر ژئوپلیتیک قدرت‌ها بلکه از زاویه انسان‌گرایی، اخلاق، و عدالت تاریخی به مسائل می‌نگرد... با این توضیحات مطلب پیش رو را بخوانید و مطمئن نظر داشته باشید که او از منظری متفاوت با ما به مسائل می‌نگرد.

- سرویس خارجی



جنایت‌های واقعی در غزه در حال وقوع اند...

کشتار ده‌ها هزار - و شاید صدها هزار - فلسطینی در غزه مقدم دانسته شده است. توجیه مضحک اسرائیل برای نابود کردن بیمارستان‌ها، مدارس، آشپزخانه‌های خیریه - به بهانه تبدیل شدن آن‌ها به «مراکز فرماندهی و کنترل» حماس- به ندرت مورد پرسشی قرار می‌گیرد. غرب ادعای ساختگی اسرائیل مبنی بر بزرگ‌نماییی آمار تلفات در غزه را پذیرفته استی - در حالی که تمام شواهد نشان می‌دهد این آمار در واقع بسیار کمتر از واقعیت است، چرا که نظام سلامت و اورژانس عمومی غزه بواسطه بمباران‌های بی‌وقفه اسرائیل فروپاشیده و دیگر توان جمع‌آوری و شناسایی اجساد را ندارد. پایتخت‌های غربی همچنین تهمت‌های اسرائیل علیه سازمان‌های امدادرسانی سازمان ملل در غزه را پذیرفته‌اند، در حالی که تلویحا پذیرفته‌اند که دو میلیون فلسطینی باید از غذا و آب محروم شوند.

غرب در محاصره امدادرسانی با اسرائیل همدست شده است، از جمله استفاده از راحل‌هایی ناکارآمد و وقت‌گیری برای ارسال غذا از پرتاب هوایی گرفته تا ساخت اسکله‌ای که تقریباً بلافاصله پس از تکمیل تخریب شد. اسرائیل فرصت بیشتری برای گرسنه نگاه داشتن مردم غزه به‌مدست آورده است، از طریق تولید پرهیاهوی «مک‌گافین‌ها» (مقایسه انحرافی اسرائیل برای نابود کردن بیمارستان‌ها، مدارس، آشپزخانه‌های خیریه - به بهانه تبدیل شدن آن‌ها به مراکز فرماندهی و کنترل) حماس- به ندرت مورد پرسشی قرار می‌گیرد. غرب ادعای ساختگی اسرائیل مبنی بر بزرگ‌نماییی آمار تلفات در غزه را پذیرفته استی - در حالی که تمام شواهد نشان می‌دهد این آمار در واقع بسیار کمتر از واقعیت است، چرا که نظام سلامت و اورژانس عمومی غزه بواسطه بمباران‌های بی‌وقفه اسرائیل فروپاشیده و دیگر توان جمع‌آوری و شناسایی اجساد را ندارد. پایتخت‌های غربی همچنین تهمت‌های اسرائیل علیه سازمان‌های امدادرسانی سازمان ملل در غزه را پذیرفته‌اند، در حالی که تلویحا پذیرفته‌اند که دو میلیون فلسطینی باید از غذا و آب محروم شوند.



طراحی یک «سیستم توزیع کمک» جایگزین - سیستمی که مستلزم کشتار روزانه ده‌ها فلسطینی است که در «مراکز امدادی» اسرائیل تجمع می‌کنند، رسانه‌های غربی ادعاهای اسرائیل مبنی بر دزدیدن غذا توسط حماس را بازتاب داده‌اند، در حالی که شواهد ویدیویی نشان می‌دهد این کمک‌ها توسط باندهای جنایتکاری که توسط اسرائیل مسلح شده‌اند غارت می‌شود.

سیاست نسل‌کشی!

گایه‌گاه، داستان واقعی آشکار می‌شود. روزنامه اسرائیلی‌ارزن رض اخیراً گزارش‌هایی منتشر کرده که سربازان اسرائیلی اذعان داشته‌اند به آن‌ها دستور داده شده به سمت جمعیت غیرمسلح فلسطینی در نزدیکی «مراکز امداد» شلیک کنند، حتی زمانی که هیچ تهدیدی از سوی آن‌ها وجود نداشته است. پادمان باشد، فلسطینی‌ها تنها به این مراکز می‌روند چون اسرائیل عمدتاً آن‌ها را به گرسنگی کشانده و سازمان ملل را از توزیع غذا محروم کرده است. یکی از فرماندهان ارتش که از شلیک روزانه گلوله‌های توپخانه‌ای به سوی جمعیت غیرنظامی سخن گفته، گفته است: «هیچ‌کس آدر اسرائیل نمی‌پرسد چرا هر روز ده‌ها غیرنظامی که به دنبال غذا هستند، کشته می‌شوند.» یک افسر ارشد نیز به‌ها‌ص‌نص گفته: «بزرگ‌ترین ترسم این است که تیراندازی و آسیب رساندن به غیرنظامیان در غزه ناشی از ضرورت عملیاتی یا قضاوت ضعیف نباشد، بلکه

مخالفت می‌کنند؛ کسانی که اسرائیل را ادامه‌ای از نژادپرستی و استعمار غرب می‌دانند؛ کسانی که باور منتقل می‌کنند.» به عبارت دیگر، نسل‌کشی، خود کرامت هستند؛ و کسانی که خواستار پایان یافتن آپارتاید اسرائیل‌اند، همان‌طور که آپارتاید آفریقای

صفحه ۸ پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴ ۱۴ محرم ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۰۱

تولید می‌کنند. ماه گذشته، فلسطین اکشن به پایگاه هوایی بریز نورتن (RAF Brize Norton) نفوذ کرد و دو هواپیمای را با رنگ قرمز - نماد خون فلسطینیان - رنگامیزی کرد. این پایگاه به‌طور مرتب اسلحه‌ها را به پایگاه آکروتیری در قبرس منتقل می‌کند، جایی که انگلیس از آن‌جا اسلحه به اسرائیل می‌فرستد. برای دولت، این اقدام باید زنگ خطری درباره امنیت این پایگاه به صدا درمی‌آورد. اما پاسخ دولت استارمر چیز دیگری بود؛ او قصد دارد فلسطین اکشن را یک سازمان تروریستی اعلام کند - در حالی که این گروه هیچ‌کس را ترسانده، جز کسانی که از نسل‌کشی سود می‌برند. اگر این تصمیم عملی شود، هر فردی - از جمله سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و چهره‌های عمومی - که از این گروه حمایت کند، یا حتی کمک مالی کند، ممکن است به ۱۴ سال زندان محکوم شود.

به پایان رساندن نسل‌کشی
اعضای فلسطین اکشن می‌دانند که قوانین مربوط به مالکیت را نقض می‌کنند - اما این در سنتی افتخارآمیز از اقدام مستقیم قرار می‌گیرد، همانند حق رأی زنان، یا کنش‌گری محیط‌زیستی. آن‌ها با خطر زندان مواجه‌اند، اما هیئت‌های منصفه اغلب آنان را تبرئه می‌کنند - چون دلالی را در دادگاه می‌شنوند که هرگز از بی‌بی‌سی یا دیلی‌میل نمی‌شنوند. استارمر خود این منطق را درک می‌کند، چون پیش‌تر وکیل مدافعی بوده که از کنش‌گران مخالف جنگ عراق دفاع کرده - همان کنش‌گرانی که قصد داشتند بمب‌افکن‌های انگلیسی را پیش از پرواز به عراق نابود کنند. اما حالا وظیفه استارمر دفاع از کسانی است که ما را با مک‌گافین‌ها مشغول کرده‌اند - تا مسیر نسل‌کشی اسرائیل را هموار کنند.

هرچه به پایان نسل‌کشی غزه نزدیک‌تر می‌شویم، مخالفت عمومی با همدستی انگلیس بدنت بیشتری می‌یابد - همان‌طور که در آخر هفته گذشته در گلاستونبری دیدیم. به همین دلیل است که استارمر - مردی بی‌هیچ اصولی - باید میدان ببرد را به نفع خود باطرأحی‌کند. او باید مخالفان نسل‌کشی را افراد فاسد و تروریست جلوه دهد. اما این مک‌گافین‌ها هدفی حتی بزرگ‌تر دارند: ایجاد این تصور که جهان، بر از کشورهای سرکش و تهدیدات تروریستی است، و انگلیس نیاز به افزایش شدید بودجه نظامی و امنیتی دارد. زمانی که اعضای فلسطین اکشن و حتی هواداران موسیقی در گلاستونبری به عنوان تروریست معرفی شوند، ساختار سرکوب و ارباب با تقویت خود، این همان وظیفه استارمر است. حقیقت آن است که بزرگ‌ترین جنایت‌کاران و تروریست‌ها نه در سرزمین‌های دوردست، بلکه در دفاتر لوکس پایتخت‌های غربی نشسته‌اند - جایی که سیاست‌هایی برای تجاوز به کشورهای که خواهان استقلال منابع خود هستند، طراحی می‌شود. سود این جنگ‌ها به شرکت‌های



بزرگ می‌رسد و در نهایت به سیاستمداران غربی به صورت کمک مالی یا مشاغل پر درآمدی می‌گردد. هرچه خشونت غرب برای حفظ سلطه جهانی بیشتر شود، مقاومت نیز بیشتر خواهد شد - هم در خارج و هم داخل. مبارزه آغاز شده است. ما باید دست از توجه به مک‌گافین‌ها برداریم. این چنگال مرگ صنعت جنگ را باید به چالش کشید - در غیر این صورت، همه ما قربانی آن خواهیم شد.

خود برای توقف کمک به نسل‌کشی اسرائیل عمل کند، بر خلاف تظاهرات‌های خیابانی، اعضای فلسطین اکشن از نافرمانی مدنی و اقدام مستقیم استفاده می‌کنند تا ماهیت واقعی همدستی انگلیس را آشکار کرده و آن را مختل کنند. این اقدامات شامل ورود به کارخانه‌های اسلحه‌سازی اسرائیلی مستقر در انگلیس و ایجاد خساراتی چون رنگ‌پاشی نمادین است - کارخانه‌های گس‌ترده مریمی «راهپیمایی‌های نفرت» خوانده شده‌اند - گویی مخالفت پرشور و مردمی با کشتار و

جنوبی پایان یافت. در دانشگاه‌های آمریکا، کشتگری در حمایت از فلسطین با سرکوب و وحشیانه پلیس مواجه شده است. مسولان دانشگاه‌ها دانشجویان را از خروج و مدار کششان را باطل کرده‌اند. مقامات فدرال، حمایت‌های قانونی را از بین برده‌اند تا دانشجویان را بازداشت و اخراج کنند. در انگلیس، تظاهرات‌های گسترده مریمی «راهپیمایی‌های نفرت» خوانده شده‌اند - گویی مخالفت پرشور و مردمی با کشتار و